

رؤیاهای زنانه در دنیای مردانه

جمیله کدیور

تهران - ۱۳۸۴

کدیور، جمیله، ۱۳۳۲-
 رؤیاهای زنانه در دنیای مردانه / جمیله کدیور - تهران: امید ایرانیان، ۱۳۸۴
 ۲۰۸ ص-
 قیمت: ۲۳۰۰ تومان
 فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
 ISBN: 964-95743-5-2
 ۱. زنان - ایران - فعالیت های سیاسی. ۲. خمینی، روح الله، رهبر انقلاب
 و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸ - نظریه درباره زنان.
 ۳. زنان - خاورمیانه. الف. عنوان.
 ۳۰۵/۴۲۰۹۵۵ ک ۲ الف ۹ / ۱۲۳۶/۵ HQ
 کتابخانه ملی ایران ۱۱۷۰۳ - ۸۴



انتشارات امید ایرانیان

رؤیاهای زنانه در دنیای مردانه

نوشته جمیله کدیور

ناشر: امید ایرانیان

طرح روی جلد: مازیار زند

چاپ اول: پاییز ۱۳۸۴

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۱۰۰ تومان

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است

شابک: ۹۶۴-۹۵۷۴۳-۵-۲

ISBN: 964-95743-5-2

تهران - بهار شمالی، مجتمع تجاری مرجان، پلاک ۲۸۴، طبقه ۳

تلفکس: ۸۳۲۳۸۹۳

Email: omideiranian@maktoub.ir

فهرست مطالب

۷	سخن اول: رؤیاهایی از جنس بلور
۱۱	ریاست جمهوری زنان
۳۹	قضاوت زنان در ایران، آری یا نه؟
۶۱	موانع مدیریت زنان
۷۵	امام خمینی و زنان
۹۵	زن، سیاست، گفتگوی تمدن‌ها
۱۱۹	زنان و اصلاحات
۱۴۱	طرح یک پارادوکس
۱۵۵	نقبی بر روزنامه‌نگاری زنان در شیراز
۱۶۳	گست نسل‌ی دختران از مادران
۱۷۹	وضعیت زنان در خاورمیانه
۲۰۶	سخن آخر

سخن اول: رؤیاهایی از جنس بلور

از کودکی، از همان ابتدا که خود را شناختم، و البته پیش از آن که مرزهای جنسیت را با گوشت و پوستم لمس کنم، همواره رؤیاهای بزرگی داشتم. رؤیاهایی که هرچه بزرگتر شدم، کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر شد، به گونه‌ای که وقتی در سنین نوجوانی دقیقاً معنی زن بودن را فهمیدم، دستیابی به آن رؤیاها را در عالم واقع برای خود و هم‌جنسانم غیرممکن دانستم.

و آنگاه که به رغم علاقه به تحصیل در رشته حقوق، چون نمی‌توانستم شغل مورد علاقه‌ام را با تحصیل در این رشته دنبال کنم، رشته‌ای دیگر را برگزیدم و تقدیر مرا به وادی دیگری کشاند، حقیقت زن بودن خود را پذیرفتم...

این تجربه‌ای است که کمابیش همه دختران ما در زندگی خود لمس می‌کنند، همانگونه که مادران ما و مادران مادران ما آن را با ذره ذره وجود خود حس کرده‌اند. البته به تناسب، این تجربه را برخی زودتر و بعضی دیرتر دارند. در این نوشتار از دخترانی یاد نمی‌کنم که

نام آنها «زیادی» و «دختربس» است. نام‌هایی که باری از اندوه و غم را بر صاحب خود تحمیل می‌کنند. مُردم دخترانی که حتی مورد قبول و خواست مادران خود هم نیستند، نمی‌باشد. آنها که به محض تولد با نوع برخورد ناخوشایند خانواده - حتی مادر - نسبت به تولد یک دختر طرد می‌شوند. به آنها می‌پردازم که کمی خوشبخت‌ترند و با مشکل طیف اول مواجه نیستند. آنها که به محض ورود به مدرسه، اگر شانس سوادآموزی داشته باشند، و نوع برخوردهایی که برخی خانم‌معلم‌های عقده‌ای به آن‌ها منتقل می‌کنند؛ آنها که وقتی آزادی‌ها و امکانات در دسترس پسران هم‌سن و سال خود را در خانواده و فامیل و محله می‌بینند؛ آنها که امکان ورود به دانشگاه را می‌یابند، ولی نه در رشته‌ای که خود می‌پسندند؛ و آنان که در آستانه ورود به بازار کار، نابرابری و تبعیض جنسیتی را به خاطر زن بودن خود و عدم اولویت برای استخدام درک می‌کنند، اولین برخورد خود را با نام‌لایمات ناشی از تبعیض جنسیتی در خانه و مدرسه و محیط کار و جامعه تجربه می‌کنند. این برخوردها به تدریج زمینه کم‌رنگ و یا بی‌رنگ شدن آرزوها و رؤیاهای دختران را فراهم می‌کند؛ به گونه‌ای که کم‌کم دختران، دیگر نه آن هستند که خود می‌خواهند و دوست دارند که باشند؛ بلکه آن می‌شوند که خانواده و محیط و جامعه دوست دارد و می‌پسندد. شاید به همین دلیل است که بر طبق گزارش‌های موجود دختران و زنان ما امروز رنجور، افسرده و نزارند....

موانع مختلف، ناشی از نوع خاصی از نگرش دینی، که دیدگاهی

متصلب و تنگ‌نظرانه نسبت به جنس مؤنث دارد و صرفاً کارکردی جنسی (تمکین مرد) از زن انتظار دارد؛ عرف موجود در جامعه که نگاه سنتی را نسبت به زنان و دختران باز تولید می‌کند؛ قوانین محدودکننده، که عمدتاً منعکس‌کننده یک نگرش خاص دینی - مذهبی است و دهها عامل پیدا و پنهان دیگر، ازجمله عواملی است که دست به دست هم می‌دهند که از دختران به محض تولد، انتظاری متفاوت شکل بگیرد و متناسب با این انتظار، زمینه‌های رشد و تربیت آن‌ها در خانواده، مدرسه، دانشگاه، محیط کار و جامعه فراهم شود.

به نظرم وقت آن رسیده که به تعبیر سهراب سپهری

چشم‌ها را باید شست

جور دیگری باید دید

زمان آن است که از دختران و زنان جامعه انتظارات جدیدی متناسب با خواست‌ها و توان آن‌ها داشت. انتظار جامعه زنان امروز ایران آن است که دیده شوند و خوب دیده شوند؛ آن‌گونه که هستند، نه آن‌گونه که ذهنیت‌های منجمد، متحجر و مردسالار می‌خواهند ببینند و یا شاید نبینند!

کتابی که در پیش روی دارید، مجموعه‌ای است از مقالات مختلفی که در مقاطع زمانی متفاوت با این رویکرد ارائه شده است؛ مجموعه‌ای از انتظارات و رؤیاهایی که شاید برای هم‌سالان من رؤیایی صرف باشد، ولی برای دختران من واقعیتی کاملاً بديهی و حتی غیرقابل انکار تلقی می‌شود.

رؤیاهایی شفاف از جنس بلور که به رغم شکنندگی، دیگر با نفیر
نعره یک صدای کلفت یا نگاه زمخت نمی شکند. رؤیاهایی که از دل
سنگ، آب زلال به ارمغان می آورد...

www.ketab.ir